

بررسی مضامین پایداری در شعر

سپیده کاشانی

دکتر نصراله امامی

استاد دانشگاه شهید چمران و دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

دکتر منوچهر جوکار

استادیار دانشگاه شهید چمران

نسرین بیگدلی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

چکیده

انقلاب اسلامی به مثابه حادثه‌ای بزرگ در تاریخ ایران، موجب تحولی در اندیشه و شعر شاعران به‌ویژه شاعران زن شد. در آستانه این رویداد و آغاز مبارزات همه‌جانبه با نظام شاهنشاهی، زنان شاعر در سایه آگاهی و شعور اجتماعی، هویت زن ایرانی را به جهانیان نشان دادند و با شعر، شور و شوق و روح مبارزه را در جسم مردم مبارز این سرزمین دمیدند. پس از انقلاب اسلامی نیز، با الگوپذیری از آموزه‌های مذهبی و معنوی، تعهد و آرمان‌گرایی را سرلوحه اندیشه و شعر خود قرار دادند و در راهی نو قدم برداشتند. آنان در آستانه دفاع مقدس و در زمان رویارویی ایران با دشمن متجاوز، به‌عنوان نیمی از پیکر اجتماع، حافظ ارزش‌ها و مضامین انقلابی-ارزشی این سرزمین شدند. سپیده کاشانی از جمله شاعران دوره انقلاب و ادبیات پایداری است که به مدد ذوق و قریحه سرشار خود و با نگاهی نو به حوادث پیرامون خویش، برای به‌دست آوردن تجربه‌هایی تازه، تلاشی پویا به‌کار بست و حاصل تجربه‌هایش را هم‌سو با آرمان‌های اجتماعی جامعه و توان شاعرانه‌اش پدیدار ساخت. او با پرداختن به مضامین ارزشی که متناسب

با رویدادهای انقلابی، سیاسی و اجتماعی معاصر است، سخن گفت و میراث شعری خود را برای ما به یادگار گذاشت.

کلیدواژه‌ها: سپیده کاشانی، شعر پایداری، مضامین جهادی، سیاسی و اجتماعی

مقدمه

سرور اعظم باکوچی، معروف به سپیده کاشانی در مردادماه ۱۳۱۵ در خانواده‌ای مذهبی در کاشان به دنیا آمد. او دوران ابتدایی را در دبستان «هفده دی» و دوران متوسطه را در دبیرستان «شاهدخت» در زادگاهش گذراند و پس از آن به تهران رفت.

سپیده کاشانی از همان دوران کودکی به‌دلیل علاقه پدر و مادرش به شعر، با سروده‌های دلنشین شاعرانی چون حافظ، سعدی و مولانا آشنا گردید. این تأثیر شگرف در یازده‌سالگی با سرودن اولین شعرش خود را نشان داد و بعدها شعر و ادبیات نیمی از زندگی و پناهگاه تنهایی وی شد:

نگاهت در دلم، تا از محبت دانه می‌ریزد
به شهر شب، ز جام آفتاب افسانه
می‌ریزد

چو لب وای می‌کنی، ای تازه گل، گل
می‌کنی پرپر!
سخن می‌گویی و گل از سر دانه
می‌ریزد...

هنوز اشراق حافظ می‌وزد بر شعر من،
زیرا
به هر سطر کتاب عشق ما، صد دندانه
می‌ریزد

(اشراق حافظ / کاشانی، ۱۳۸۹: ۴۹)

سپیده کاشانی از سال ۱۳۴۷ همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و با حضور در جلسات متعدد شعر و ادب آن زمان، با اندیشه و ذوق خود، توجه بسیاری از مخاطبان نکته‌سنج را برانگیخت و حضور جوانان علاقه‌مند را به آن جلسات شعرخوانی بیشتر کرد.

سپیده در دوران حاکمیت نظام شاهنشاهی، با پرداختن به مضامین ضداستبدادی به افشای جنایات طاغوت و مبارزه فرهنگی با دوران حاکم پرداخت: برگی که ریخت / ریخت. آبی که رفت / رفت. پروانه، این حقیقت غمگین را / بر بستر گلی / در خواب دیده بود. و خواب خویش را / در باغ‌های روز / بر متن آب‌ها / بر سطر موج‌ها / با جوهر طلایی خورشید / تحریر کرده بود. گفتم به خویش: چه یاره است ماندن! / باید رفت / وقتی درخت‌های

برهنه/ هرگز ردای سبز نپوشند/ وقتی که،
آب‌های رفته/ باز نگردند...

(خواب پروانه/ همان: ۳۹۱ - ۳۹۰)

نخستین دفتر شعر سپیده کاشانی در سال ۱۳۵۲، با نام *پروانه‌های شب* منتشر شد. در این مجموعه، زبانی تازه و مفاهیمی عمیق دیده می‌شد و هوایی تازه و دل‌پذیر به مشام می‌رسید. آشنایی وی با دیوان شعر گذشتگان مانند حافظ و مولوی و آگاهی از رموز و زوایای نهفته در غزل‌های آنان به بیشتر غزل‌های چاپ‌شده وی در این مجموعه استحکام و استواری خاصی بخشیده است.

سپیده در دوران اوج‌گیری انقلاب اسلامی و پس از آن با در نظر گرفتن اهداف انقلاب و سرودن اشعار انقلابی، در دفاع و پاسداری از ارزش‌های انقلاب قدم برداشت. او در سال ۱۳۵۸، یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای شعرخوانی به اداره رادیو دعوت شد و از شعرهای پرشور و انقلابی‌اش در سرودهای انقلابی استفاده گردید:

به خون گر کشی خاک من، دشمن من
بجوشد گل اندر گل از گلشن من
تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی
جدا سازی ای خصم، سر از تن من
کجا می‌توانی، ز قلبم ربایی
تو عشق میان من و میهن من
مسلمانم و آرمانم شهادت
تجلی هستی ست جان کندن من...

(بهارست و هنگام گل چیدن من/
همان: ۱۰۴)

سپیده در همان سال به عضویت شورای شعر و سرود درآمد و در شهریور ۱۳۵۹، هنگامی که تندباد سهمگین جنگ از همه‌سو وزیدن گرفت، صدای رسای وی به گوش رسید. او همراه مردم که نسیم آزادی دل‌هایشان را نوازش می‌کرد، برای جلوگیری از تجاوز نابرابر و گسترده دشمن، به نبرد و مبارزه برخاست و برای آنانی که در جبهه‌ها می‌جنگیدند، شعر سرود. سپیده، خود بارها در جبهه جنگ حاضر گردید و از نزدیک با واقعیت دفاع و پایداری روبه‌رو شد و به تشویق و ترغیب رزمندگان پرداخت. نویسنده‌ای معاصر در

این مورد می‌نویسد:

همراه با حمله‌های پی‌درپی دشمن و مقاومت‌های شجاعانه رزمندگان مسلمان کشورش، آن‌ها را از برنامه‌های مختلف رادیو و تلویزیون می‌شنید، و از خداوند طلب توفیق بیشتر می‌کرد. دیگر اختیار دل بی‌آرام خود را نداشت. می‌خواست قدم به آوردگاه کسانی بگذارد که در ذهن و دلش جای داشتند، و در شعر و سخنش

سپیده کاشانی از جمله شاعران دوره انقلاب و ادبیات پایداری است که به مدد ذوق و قریحه سرشار خود و با نگاهی نو به حوادث پیرامون خویش، برای به‌دست آوردن تجربه‌هایی تازه، تلاشی پویا به کار بست و حاصل تجربه‌هایش را هم‌سو با آرمان‌های اجتماعی جامعه و توان شاعرانه‌اش پدیدار ساخت

جلوه‌گر بودند. دوست داشت آن‌ها را از فاصله‌ای نزدیک ملاقات کند؛ در سنگرها، بر روی خاکریزها، و در پناه گودال‌هایی که می‌توانست قربانگاه پاکشان باشد. (اصلانی، ۱۳۸۵: ۵۹)

جنگ هشت‌ساله و نسبتاً طولانی که «تصویر صحنه‌های ناب از عشق و عرفان و شهادت‌طلبی و اخلاص و ایثار بود، در اندیشه زنان میهن ما - خاصه زنان شاعر - تأثیری ژرف و سازنده داشت. آنان در آرزوی حضور در خاک شهادت‌خیز جبهه‌ها، اندیشه خود را به پرواز درآوردند و در این مسیر برای ایفای مسئولیت تاریخی خود کوشش‌ها کردند. (گنجی، ۱۳۷۳: ۵۸). سپیده کاشانی همراه شاعرانی چون حمید سبزواری و محمدعلی مردانی در جبهه‌ها در میان رزمندگان حاضر شد، از کانال‌ها و گذرگاه‌ها گذشت و زیر رگبار گلوله‌های آتشین، مقاومت و پیروزی مردان سرزمین خود را دید. او با الهام از دیده‌های خود و با ایمانی راسخ،

درون‌مایه‌هایی چون حماسه، رشادت، دلیری، جانبازی، شهادت، وطن‌پرستی و... را موضوع شعر خویش کرد و واژگانی را در حوزه شعر پایداری به کار گرفت که در نوع خود تازه بودند.

زندگی سپیده کاشانی سرانجام در سال ۱۳۷۱ به سرآمد. وی پس از مدت‌ها مبارزه با درد و رنج سرطان روده، برای معالجه به کشور انگلستان اعزام شد اما پیش از هرگونه اقدام پزشکی در ۲۴ بهمن همان سال، چشم از جهان فرو بست و طبق وصیت خودش در بهشت‌زهراهای تهران به خاک سپرده شد. در بخشی از وصیت‌نامه او آمده است:

در مجلسی که ترتیب خواهید داد، از تمام دوستان و آشنایان بخواهید که مرا ببخشند و حلال کنند. اگر در مدت زندگی جسارت کرده‌ام، صمیمانه امید بخشش از آن‌ها دارم. دعا کنید من با اجر شهادت از دنیا رفته باشم.

معبود تویی از تو امان می‌خواهم
زان چشمه سرمدی نشان می‌خواهم
گفتی که شهید، زنده جاوید است
یا رب ز تو عمر جاودان می‌خواهم
(کاشانی به نقل از همان: ۱۱۸)

از سپیده کاشانی آثار زیر به جا مانده است:

- *پروانه‌های شب*، مؤسسه انتشاراتی پدیدۀ تهران، ۱۳۵۲.

- *هزار دامن گل سرخ* (گزینۀ شعر)، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

- *سخن آشنا*، مجموعه‌ای که پس از مرگ شاعر به همت پسرش توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۳ به چاپ رسید.

- *آنان که بقا را در بلا دیدند* (یادداشت‌های دو سفر به منطقه جنوب)، انتشارات موسسه انجمن قلم ایران با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.

- *گزینۀ اشعار*، انتشارات نیستان، تهران، ۱۳۸۰.

- *مجموعه اشعار*، انتشارات موسسه انجمن قلم ایران با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.

نگاهی به پیشینه موضوع

سپیده کاشانی از شاعران برجسته انقلاب و ادبیات پایداری است. شعر او سرشار از درون‌مایه‌های سیاسی، اجتماعی و انقلابی است. با توجه به سابقه فعالیت وی در عرصه ادبیات قبل و بعد از انقلاب اسلامی، درباره زندگی و شعرش کمتر بحث و بررسی در سطوح تحقیقات دانشگاهی صورت گرفته است و به جز چند مقاله و نوشتار مختصر درباره زندگی و آثار وی، منابع مستقل دیگری در تحلیل اندیشه سیاسی و اجتماعی او به دست نیامد. ما در این مقاله ضمن پرداختن به شخصیت ادبی و انقلابی سپیده کاشانی، در پی بررسی مضامین و عناصر سیاسی و اجتماعی با تأکید بر مضامین جهادی و پایداری در شعر وی بوده‌ایم و در این راستا از منابعی که پیش از این در خصوص این شاعر نوشته شده نیز به فراخور بحث استفاده کرده‌ایم. مهم‌ترین پژوهش‌هایی که به شعر سپیده کاشانی پرداخته‌اند به قرار زیر است:

۱. اصلانی، محمدرضا؛ **لاله کویر (زندگی‌نامه داستانی سپیده کاشانی)**، سوره مهر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

۲. اکبری، منوچهر؛ مقاله «**شعر انقلاب اسلامی در یک نگاه**»، ماهنامه ادبیات (گفت‌وگو با منوچهر اکبری)، شماره ۱۵، پیاپی ۱۲۹، تیر ۱۳۸۷.

۳. حسین‌زاده بولاقی، شهربانو؛ «**بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر**»، نوید، چاپ اول، شیراز، ۱۳۸۷.

۴. غفاری، محسن، **بانوی پروانه‌ها (برای بانوی شعر انقلاب اسلامی سپیده کاشانی)**، خاطرات قلم، چاپ اول، کاشان، ۱۳۸۴.

۵. گنجی، نرگس، مقاله «**سرو باغ آشنایی (نگاهی به زندگی و شعر سپیده کاشانی، ماهنامه پیام زن ویژه مسائل زنان و خانواده، سال هفدهم، شماره ۱۱، پیاپی ۲۰۳، ۱۳۸۷)**».

۶. گنجی، نرگس، مقاله «**خودآگاهی تاریخی در شعر زنان در دهه اول**

انقلاب» (مجموعه مقالات همایش بررسی ادبیات انقلاب اسلامی)،

انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۳. در ارزیابی منابع یاد شده باید گفت که این منابع با توجه به پرداختن به زندگی و شخصیت سپیده کاشانی، بسیار ارزشمندند اما در راستای تحقق اهداف این مقاله کافی و جامع نیستند. در پژوهش حاضر علاوه بر پرداختن به زندگی و سیر شخصیت بانوی شاعر ادبیات پایداری، سعی بر آن است که با نگاه به اندیشه وی و پرداختن به درون‌مایه‌های سیاسی، اجتماعی و جهادی و بررسی مضامین پایداری در سروده‌هایش، تحقیقی فراتر پیش روی مخاطب قرار گیرد.

بازتاب فضای سیاسی و اجتماعی و جهادی با تأکید بر مضامین پایداری در شعر سپیده کاشانی

سپیده کاشانی در دوران شعری خود آثاری ارزنده و ماندگار از خویش به یادگار گذاشت. او در بیشتر قالب‌های شعری نو و کلاسیک (غزل، مثنوی، قصیده، رباعی، دوبیتی، قطعه) طبع آزمایی کرد و سروده‌هایی با مضامین مذهبی، اجتماعی و سیاسی سرود. وی که با ادبیات کهن ایران آشنایی داشت و زیبایی‌ها و صور خیال و صنایع بدیعی را می‌شناخت، توانست در انواع قالب‌های سنتی به‌ویژه غزل به تجربه‌های خوبی دست یابد. شعر وی در عین سادگی و روانی واژه‌ها و کلمات، حامل پیام‌های اخلاقی و اجتماعی برای مخاطب است. او زبان رمز و اشاره شاعرانه را بی‌تکلف در کنار سادگی و روانی واژه‌های واقعی و باورپذیر اجتماع در شعر خویش نشان داد:

اجر
با صبوری «سپیده» گر کنی پایداری
اینک این ما و راهی، روشن‌تر از نور قرآن
اینک این ما و تاریخ، با خط زرنگاری
(اینک این ما و تاریخ/ کاشانی، ۱۳۸۹: ۲۸۱)

سروده‌های سپیده کاشانی، رنگ و بویی دینی، اجتماعی، سیاسی و جهادی دارند. او ساده و برای فهم همگان شعر سرود و شعرش را جولانگاه واژه‌های صمیمی و از دل برآمده و وام‌دار متون ادبی کهن و نوی معاصر گردانید. زندگی ادبی سپیده از نظر زمانی، شامل دو دوره مهم تاریخی بود:

– دوره قبل از انقلاب
– دوره بعد از انقلاب

سپیده کاشانی در دوره شعری قبل از انقلاب، توانست با پرداختن به درون‌مایه‌های سیاسی و اجتماعی، سروده‌های انقلابی و مبارزه طلبانه‌ای از خود بر جای گذارد. وی در مجموعه «پروانه‌های شب» که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد، توانست فضای سیاه و تاریک دوران نظام شاهنشاهی را به تصویر کشد. در واقع، پروانه‌های شب او «رنج‌نامه‌ای است از تجربه‌های سال‌های ۴۷ تا ۵۲ که به خاطر فضای تاریک آن زمان واژه‌های این کتاب به پروانه‌ها تشبیه شده‌اند که در شب پرواز می‌کنند و تا ممکن بوده با ایما و اشاره و گاه مستقیم و غیرمستقیم بسیاری از گفتنی‌ها در آن تصویر شده و این جنگ و گریز ادبی سیاسی ادامه داشت تا آغاز انقلاب اسلامی.» (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۲۴). او در این مجموعه، هم در قالب غزل طبع آزمایی کرد و هم در قالب شعر آزاد نیمایی. وی از هر دو قالب کهن و نو معاصر برای توصیف فضای تیره و تاریک عصر حاکمیت طاغوت استفاده کرد و به مبارزه فرهنگی با آن دوران پرداخت:

– کسی اینجا خدا را در حریر آه می‌پیچد
کسی او را کنار سفره بی‌رنگ می‌خواند
به مهمانی
از آن سوی سیاهی‌ها
کسی خورشید روشن را
به رنگ آمیزی شب‌های سرد خویش
می‌خواند
ز هر گلبوته رنگین
به زیر گام من، فریاد می‌ریزد
صدای کودکی معصوم می‌آید
که خون آرزو یخ بست در جانش

ادامه مطلب در وبگاه